

# لامیریکا می‌رود؛ ویرلانر مرماند



فرید سیاوش

غربی‌ها نیامده بودند که افغانستان را آبادکنند تا مردمانش مزه رفاه، آسایش و خوشبختی را بچشند. انگلیسها آمده بودند تا انتقام آن جنگ‌ها و شکست‌های قبلی میدانی را بگیرند و به جای آن بیست و پنج هزاری که تنها داکتر برآیدن از میان شان جان سالم برده و پیام رسان شده بود، را بگیرند؛ تا بیست و پنج میلیون را به اشکال مختلف بکشند؛ چه در میدان جنگ، چه در بستر خواب، محفل عروسی و خوشی، چه در نماز در خانه خدا و چه برسر سفره فقیرانه صبح یا شام.

چه با بمب از هواپیمای چه با سرنشین و چه بی سرنشین، با مواد مخدر یا فقر جان‌گداز، با ویرانی و آواره‌گی و یا فساد و فحشای سازمان یافته، چه با استخدام بیماران ارتزاق و یا دزدان سرگردنه و مزدورمنشان گداییگر و چاپلوس. مختصر با هر ابزار ممکن مردم ما را کشتند و هنوز دوام خونین دارد.

امریکایی‌ها این پسران قد بلند انگلیسها با استراتیژی اشغال منطقه و تسلط بر راه‌ها مهم استراتیژیک، پستی‌ها و بلندیها، تاراج گنجینه‌های زیر زمین و سرزمینی این منطقه، کشت و تجارت پر منفعت خشخاش و نفوذ در کشور های پیرامونی برای پیاده کردن اهداف اش، توطئه سپتامبر را خلق کرد و بر منطقه هجوم آورد. افغانستان، سوریه، عراق، لیبی، یمن را به خاک و خون کشانید به ویرانه مبدل و گنجینه‌های تاریخی بسیار پر ارزش آنجا‌ها را نابود کرد.

آنگاه که آمدند؛ فکر تسلط کامل و ماندن دایمی در آنجا را داشتند اما وضعیت بگونه دیگر تغییر کرد. نه افغانستان نه سوریه، عراق و لیبیا را توانست قورت دهد؛ در گلویش گیر کرده و نفس گیر شدند. از جانب دیگر روسیه مقتدر و چین توانمند در صحنه حضور یافته و مانع تحقق برنامه های امریکایی ها شدند که ایران و هند هم در این خط سنگر گرفتند.

حالا امریکا ها را، قوتی که تا حال در پشت پرده فعال است از منطقه میکشد و امریکا دیگر هرآنچه میل کند نمیتواند انجام دهد. آن قوت روی نرم افزار و سخت افزار مساله افغانستان سرمایه گذاری کرده و چال میرود. راه حل سیاسی را مردود ندانسته اما با راه حل در میدان جنگ قصد برچیدن تمام دم و دستگاہ امریکا و ناتو و خلاصه غرب را دارند که این پاکاری از راه رویکار آمدنت یک دولت عبوری از کانال سیاسی و مذاکره ممکن نیست. یک بار دیگر پای انتقامگیری های تاریخی و استراتژیک وارد صحنه سیاست های کلان در بازی بزرگ افغانستان شده است.

ما را چنان پاشان ساخته اند که دور هم جمع شدن و به اجماع ملی رسیدن تقریباً ناممکن شده است. کسانی هم که گرد هم می آیند فقط برای حفظ اقتدار خود شان و زود گذر است. امریکا های اعلام کرده اند که پس از خروج نیرو های امریکا کابل طی ششماه سقوط میکند. این خود یک جنگ روانی با نیروهای ارتش، امنیتی و مردم افغانستان است. کشیدن پنجاه هزار افغان همکار شان آیا روایتی از یک سقوط و یک جنگ روانی نیست؟ چه تأثیرات منفی را بر روان نیروهای مسلح و مردم بجا میگذارد؟ آیا سریال مذاکرات یک بازی فریبنده نبود؟

برای خلق آشوب، بی ثباتی و هدایت آشوب ها آمده بودند؛ همان کردند و چنان آتش نفاق برافروختند که سالها خواهیم سوخت و تخم تفرقه کاشتند تا سالها با هم نسازیم و ویرانتر شویم. برنامه این بود که آتش این بی ثباتی دامن کشور های پیرامون افغانستان بویژه روسیه، چین و ایران را بگیرد؛ اما فقط ما سوختیم و دیگران بسیار هوشیار کشور و منافع خودشان بودند؛ و آنها آرام و زیر زمینی به سامان و سازماندهی ضد حمله را بر امریکا مشغولند؛ در این میانه فقط افغانستان و مردم آنست که داغانتر و ویرانتر میشوند.

هنوز هم برای رسیدن به تفاهم و برداشتن گام مشترک در خط دفاع از ارزشهای ملی و دموکراتیک، زیاد دیر نشده است. محکوم تاریخ خواهیم شد اگر کاری برای نجات کشور و مردمش از سقوط، فروپاشی و ویرانی انجام ندهیم.

